

## بررسی تطبیقی وعده‌های الهی در قرآن کریم و کتب تواریخ ایام

mahinkeramati@yahoo.com  
aboalisana1212@gmail.com

مهمین کرامتی‌فرد / استادیار گروه فلسفه دانشگاه ملایر  
حامد صنایعی وصال / دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه و کلام دانشگاه ملایر  
دریافت: ۹۸/۱۰/۱۰ پذیرش: ۹۹/۰۴/۱۹

### چکیده

«وعد» به‌طور کلی یعنی وعده دادن برای انجام کاری در زمان یا مکان مشخص در آینده که خیر آن را وعده و شر آن را وعید می‌نامند. طبق مباحث کلامی و آیات مختلف قرآن کریم می‌دانیم که خداوند هرگاه وعده‌ای می‌دهد همیشه طبق آن عمل می‌کند و وعده‌های او تخلف‌ناپذیر است. یکی از روش‌های تشویق مخاطبان برای اطاعت از اوامر و ترک نواهی موضوع وعده الهی است. این پژوهش با رویکرد تطبیقی - تحلیلی به بررسی وعده الهی در قرآن و کتب تواریخ ایام پرداخته است؛ وعده‌هایی که خداوند به حضرت داوود<sup>ع</sup> و سلیمان<sup>ع</sup> می‌دهد و به این نکات دست یافته که آنچه خداوند به حضرت داوود<sup>ع</sup> وعده داده بود طبق فرمایش قرآن محقق گشته است؛ اما درباره تحقق یافتن وعده حضرت سلیمان<sup>ع</sup> قرآن آن را اشاره نکرده است؛ ولی طبق گواهی تاریخ به دست می‌آید که آن نیز محقق شده است.

کلیدواژه‌ها: قرآن، تورات، داوود، سلیمان، وعده الهی.

## مقدمه

در قرآن کریم نیز «وعد» هم برای خیر و هم برای انداز از شر به کار رفته است؛ اما وعید، مختص انداز از شر و عاقبت بد است. بعضی معتقدند وعده خیر یا شر را «وعد» می‌نامند و اگر منظور فقط شر باشد، آن را «وعید» می‌گویند.

راغب اصفهانی در مفردات می‌گوید: وعده هم در خیر به کار می‌رود هم در شر، ولی وعید فقط در شر به کار می‌رود.

«الوعد یكون فی الخیر والشر، یقال: وعدته نفع و ضرر وعداً و موعداً و میعاداً. والوعید فی الشر خاصة» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۸۷۵).

مصطفوی در التحقیق می‌گوید: متعهد شدن به کاری را وعده گویند، اعم از اینکه کار خیری باشد و یا اینکه شر باشد.

«أَنَّ الْأَصْلَ الْوَاحِدَ فِي الْمَادَّةِ: هُوَ تَعَهَّدَ عَلَى أَمْرٍ، وَالتَّعَهَّدَ أَعْمٌ مِنْ أَنْ يَكُونَ فِي أَمْرٍ خَيْرٍ أَوْ فِي شَرٍّ. وَهَذَا الْمَعْنَى مَحْفُوظٌ فِي جَمِيعِ مُشْتَقَّاتِ الْكَلِمَةِ مَجْرَدَةً أَوْ مَزِيداً فِيهَا» (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱۳ ص ۱۴۲-۱۴۴).

## ۲. تفاوت وعده با عهد

عهد به وعده‌ای گفته می‌شود که مقرون به شرط باشد و درباره آن از لفظ وفا کردن استفاده می‌شود؛ اما درباره وعده از لفظ انجام استفاده می‌گردد و به عمل نکردن به عهد، نقض عهد گفته می‌شود؛ درحالی که به عمل نکردن به وعده، خلف وعده گفته می‌شود (عسگری و جزائری، ۱۳۹۰، ص ۳۷۹).

## ۳. ویژگی‌های وعده الهی

از جمله ویژگی‌های وعده الهی، واقع‌شدنی، صادق بودن، حق بودن و تخلف‌ناپذیر بودن است، که مصطفوی در التحقیق این ویژگی‌ها را اینچنین بیان می‌کند:

## ۳-۱. حتمی و واقع شدن وعده خداوند

از جمله ویژگی‌های وعده الهی آمدن و واقع شدن است؛ چراکه وعده او مستند به علم خداوند است، که احاطه بر همه چیز دارد و همچنین بر قدرتی که نامحدود است، مستند است. «لَا ت، لواقح: فأنَّ وعده مستند إلى علمه المحيط وقدرته غير المحدودة التي لا يعجزها شيء، ولا يحتاج تعالى إلى كف وإساک».

وعده یکی از عقود مهمی است که میان انسان‌ها، و یا بین خداوند و انسان‌ها منعقد می‌شود و التزام و عمل به آن برای هرکسی ضروری می‌باشد و نقض آن از جانب هیچ‌کس پسندیده و مطلوب نیست. یکی از روش‌های مشترک در تبلیغ ادیان آسمانی، وعده الهی است. محور برخی آیات قرآن کریم و کتب ایام تواریخ وعده می‌باشد. از جمله عوامل محرک و زمینه‌ساز برای اطاعت از اوامر و نواهی خداوند شناخت وعده‌های الهی است که از اهمیت بسزایی برخوردار است. نوشتار حاضر در پی تبیین تطبیقی وعده‌های الهی در قرآن و کتب تواریخ ایام است. سؤال اصلی پژوهش این است که وعده‌های خدای متعال در قرآن و کتب تواریخ ایام به حضرت داوود و سلیمان چه بوده است؟

درباره وعده‌های خدای متعال در قرآن پژوهش‌هایی صورت گرفته است. خود کلمه وعده و وعید از کلماتی است که در بسیاری از تحقیقات مورد توجه و عنایت بوده و مقالات و پژوهش‌هایی نیز در این زمینه تدوین گردیده است:

- وعده‌های الهی در قرآن و سنت (غفوریان، ۱۳۹۱)؛

- وعده‌های خدا (مؤذنی)؛

- تحلیل فرایند و سازوکار تحقق وعده‌های الهی در قرآن (امینی، ۱۳۹۵)؛

- بررسی وعده‌های الهی به پیامبر اکرم ﷺ در قرآن کریم (بسی خواسته، ۱۳۹۴).

در این آثار بیشتر به دسته‌بندی آیات و روایات درباره وعده‌های خدای متعال در قرآن پرداخته شده، اما درباره ماهیت و قلمرو وعده‌های الهی، به‌طور تطبیقی در کتب ایام تواریخ و قرآن کریم هیچ پیشینه‌ای یافت نشد. لذا این پژوهش با رویکرد تطبیقی وعده‌های الهی در قرآن و کتب تواریخ ایام، کاری جدید می‌باشد، که بعد از مفهوم‌شناسی کلمه وعده، ابتدا به مقایسه وعده‌های خداوند به حضرت داود ﷺ در قرآن و کتب تواریخ ایام اشاره می‌شود، سپس به بررسی وعده‌های الهی به حضرت سلیمان ﷺ پرداخته می‌شود.

## ۱. مفهوم‌شناسی وعده

وعده و وعید از اقسام خیر است. «وعد» در لغت به معنای عهد است (قریشی، ۱۳۷۱، ج ۷ ص ۲۲۷) و در اصطلاح عبارت است از تعهد به انجام کاری، خواه آن کار خیر باشد و یا شر؛ و اختصاص پیدا کردن به یکی از آنها به واسطه قرینه، معین می‌شود (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۳، ص ۲۱۹). وعده خیر را «وعد»، تهدید و وعده شر را «وعید» می‌نامند.

### ۳-۲. صادق بودن خداوند در وعده دادن

کسی که وعده دروغ می‌دهد در واقع نشان از احتیاج و نیازمندی اوست؛ حال آنکه نیازمندی در مورد خدای متعال محال است. مصطفوی، صدق را مطابق با واقع و اینکه حجاب و مانعی بین صدق و واقع نیست، تعریف می‌کند و می‌گوید: خداوند با علمش بر همه موجودات احاطه دارد و لذا هیچ احتیاجی به وعده غیرصادق نسبت به موجودات ندارد: «لصادق، أصدق: الصدق ما يطابق الواقع، ولا حجاب بينه وبين الواقع، فان علمه محیط علی قاطبة الموجودات، ولا فقر فيه بوجه حتى يحتاج إلى وعد غیر صادق».

### ۳-۳. حق بودن وعده الهی

وعده‌های خدای متعال حق است؛ چراکه با واقعیات منطبق است. مصطفوی حق را این‌طور تعریف می‌کند: حق، امری ثابت و واقعی است؛ بدون انحراف و تزلزل و اشتباه؛ چراکه خدای متعال اولاً، حق بر او مخفی نیست؛ ثانیاً، حق نزد خدای متعال مشهود است؛ ثالثاً، زمان و مکان برای خداوند معنای ندارد که حجاب بین خداوند و حق شود. «إن وعده حق: الحق هو الأمر الثابت الواقع من دون انحراف وتزلزل والتباس، وهو تعالی لا یخفی علیه الحق، والحق مشهود عنده، ولا یحجبه زمان ولا مکان».

### ۳-۴. تخلف نکردن خداوند از وعده

خدای متعال از وعده خود تخلف نمی‌کند. صدور خلف وعده از خداوند محال و وقوع وعده‌های او حتمی است. مصطفوی می‌گوید: عوامل تخلف از وعده عجز و ناتوانی، بخل و خودداری کردن و محدودیت است؛ درحالی‌که همه این امور در مورد خدای متعال محال است: «لا یخلف وعده: فان الخلف إما بظهور العجز والضعف، أو بوجود إمساك وبخل، أو بمحجوبية ومحدودية فی وجوده، وهذه الأمور متفیه فی مقامه المتعالی» (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱۳، ص ۱۴۸).

دو سوال در اینجا مطرح است:

اول. چرا خلف وعده از ناحیه خداوند محال است؟

پاسخ این است که چون خلف وعده معلول عجز و ناتوانی بر انجام کار و یا نسیان و فراموشی است؛ لذا بر خدای حکیم محال است که خلف وعده کند. در قرآن کریم حدود ۲۰ بار بر حتمیت تحقق وعده الهی تأکید شده است. خدای متعال در قرآن کریم با

عبارت‌های مختلف تأکیدی اینچنین می‌فرماید: «إنما توعدون لواقع»؛ یعنی قطعاً آنچه وعده داده می‌شود، واقع خواهد شد. دوم. اگر خلف وعده بر خداوند جایز بود، چه می‌شد؟ پاسخ این است که اگر خلف وعده بر خدا جایز باشد، دیگر معرفتی حاصل نمی‌شد؛ ارسال رسل و تئذیر و تبشیر مردم کاری عبث بوده و باعث سلب اطمینان بندگان و سست شدن آنها در اطاعت و عبادت می‌شود (طیب، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۳۱۵).

### ۴. کتاب تواریخ ایام

کتاب اول تواریخ ایام، از جمله کتب تاریخی قوم بنی‌اسرائیل است. برخی از مطالبی که در کتاب دوم سموئیل آمده در اینجا نیز بدان اشاره شده، اما کتاب اول تواریخ ایام بیشتر با رویدادهای خاندان یهودا که در جنوب سرزمین اسرائیل حکومت می‌کردند، سروکار دارد، تا خاندان اسرائیل که در شمال بودند. کتب تواریخ ایام بیشتر متوجه تاریخ مذهبی و خانه‌خداست؛ درحالی‌که کتب پادشاهان به تاریخ سیاسی و کاخ سلطنتی نظر دارد. این کتاب احتمالاً توسط عزرا که کاهن و کاتب بود، نگارش یافته است. در سال ۵۸۶ قبل از میلاد مردم سرزمین یهودا در نتیجه پیروزی بابلی‌ها در سرزمین‌شان اسیر شده، به بابل منتقل شدند. چند دهه بعد، هنگامی که اسرای یهودی به فرمان کوروش کبیر به وطن خود بازمی‌گشتند، عزرا این کتاب را نوشت تا آنان را با تاریخشان آشنا سازد و اهمیت حکومت داوود و سلیمان را به آنان نشان دهد.

۹ فصل اول کتاب شامل فهرستی از اسامی نخستین انسان‌ها تا شاول پادشاه و فصل ده تا بیست و نه درباره زندگی داوود پادشاه است. داوود قصد داشت خانه خدا را بسازد، اما خداوند او را از این کار بازداشت و فرمود که پسرش سلیمان آن را خواهد ساخت؛ با این حال داوود دست به کار شد و وسایل موردنیاز را فراهم ساخت تا وقتی سلیمان ساختن خانه خدا را شروع می‌کند، همه چیز آماده باشد.

کتاب دوم تواریخ دنباله کتاب اول تواریخ ایام است. در اصل این دو، یک کتاب بوده‌اند و لذا نویسنده کتاب دوم نیز همان عزرا است. در کتاب دوم تواریخ ایام جزئیات کار ساختن خانه خدا شرح داده شده است. در آن می‌خوانیم که سلیمان سلطان بی‌رقیب اسرائیل می‌شود و دستور می‌دهد تا خانه خدا را بسازند. در عرض هفت سال خانه خدا ساخته می‌شود. کتاب با سقوط حکومت یهودا، تبعید مردم یهودا به بابل و خرابی ساختمان آن خانه خدا پایان می‌یابد.

### ۵. معرفی داوود نبی ﷺ

حضرت داوود ﷺ در قرآن پیامبر و خلیفه خدا در زمین نامیده شده است. واژه داوود که در زبان عبری «داوید» تلفظ می‌شود، به معنای «محبوب» بوده (خرمشاهی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۰۳۴) و نام یکی از پیامبران بزرگ بنی‌اسرائیل می‌باشد، او اولین پیامبری است که دارای کتاب آسمانی به نام «زبور» بوده و از ذریه اسحاق فرزند ابراهیم و هم‌عصر با «شموئیل» می‌باشد؛ و از جمله انبیائی است که دارای حکومت و منصب قضاوت بوده و زبان پرندگان را می‌دانسته است (شبستری، ۱۳۷۹، ص ۳۶۱-۳۶۳).

داوود در سرزمینی بین مصر و شام دیده به جهان گشود. او از نواده‌های یعقوب است و به ۹ واسطه به یکی از فرزندان یعقوب می‌رسد، پدرش «ایشا» نام داشت. او صد سال عمر کرد که چهل سال از آن را حکومت کرد. داوود در روایات اسلامی فرزند ایشابن لاوی بن یعقوب است. ایشا، ۱۰ پسر داشت که داوود از همه کوچک‌تر بود و به شغل شبانی اشتغال داشت؛ اما داوود دارای نوزده فرزند بود که از میان آنها سلیمان جانشین او شد. چون در قرآن هیچ کار نادرستی به داوود نسبت داده نشده است، مسلمانان داستان بث شعب و زناى داوود را نفی می‌کنند.

### ۶. حضرت داوود ﷺ در قرآن

خداوند در سوره‌های مختلفی از قرآن کریم درباره حضرت داوود ﷺ به‌عنوان پیامبری از پیامبران بنی‌اسرائیل صحبت کرده است.

آیات مرتبط با حضرت داوود ﷺ:

(۱) آیه ۲۵۱ سوره «بقره» می‌فرماید: پس به خواست خدا شکستشان دادند و داوود جالوت را کشت و خدا به او پادشاهی و حکمت داد و از آنچه می‌خواست بیاموختش و اگر برکنار کردن خدا مردم را برخی ایشان را با برخی نبوده، البته زمین تباه می‌شد؛ ولی خدا دارای فضل بر جهانیان است.

(۲) خدای تعالی در سوره «تساء» آیه ۱۶۳ می‌فرماید: ما به سوی تو وحی فرستادیم، چنان‌که به سوی نوح و پیغمبران پس از او وحی فرستادیم و به سوی ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط و عیسی و ایوب و یونس و هارون و سلیمان وحی کردیم و به داوود زبور را دادیم.

(۳) در سوره «مائده» آیه ۷۸ می‌فرماید: لعنت شدند از بنی‌اسرائیل آنان که بر زبان داوود و عیسی بن مریم کفر ورزیدند؛ آن

است بدان‌چه نافرمانی کردند و تجاوز می‌کردند.

(۴) خداوند در سوره «انعام» آیه ۸۴ می‌فرماید: و اسحاق و یعقوب را به او بخشیدیم، همه را هدایت کردیم و نوح را از پیش هدایت کرده بودیم و از نسل او داوود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هارون را هدایت کردیم و بدین‌سان نیکوکاران را پاداش می‌دهیم.

(۵) خداوند در سوره «انبیاء» آیه ۷۸ می‌فرماید: و داوود و سلیمان را یادکن هنگامی که درباره آن کشتزار که گوسفندان قوم شبانه در آن چریده بودند، داوری می‌کردند و ما شاهد داوری ایشان بودیم؛ پس شیوه داوری را به سلیمان فهماندیم و هریک را حکم و دانش عطا کردیم و کوه‌ها و پرندگان را با داوود رام کردیم که با او تسبیح می‌گفتند و ما کننده این کار بودیم و برای شما به داوود زره‌سازی آموختیم، تا شما را از خطرات جنگ‌تان حفظ کند. پس آیا سپاسگزار هستید؟ و تندباد را مسخر سلیمان کردیم که به فرمانش به آن سرزمینی که در آن برکت نهاده بودیم، روان می‌گشت، و ما به هر چیزی آگاه بوده‌ایم.

(۶) خداوند در سوره «سبا» آیه ۱۰ و ۱۱ می‌فرماید: و به راستی داوود را از جانب خویش مزیتی عطا کردیم و گفتیم ای کوه‌ها و ای پرندگان! در تسبیح با او هم آواز شوید و آهن را برای او نرم کردیم که زره‌ای بساز و بافت آن را یکنواخت کن و کار شایسته کنید؛ همانا من به آنچه انجام می‌دهید، بینایم.

(۷) خدای متعال در سوره «صافات» آیات ۱۷-۲۸ می‌فرماید: بر آنچه می‌گویند صبر کن و داوود بنده ما را که دارای قدرت بود یاد کن که او بسی توبه کار بود. ما کوه‌ها را با او مسخر ساختیم که شامگاهان و بامدادان خدا را نیایش می‌کردند؛ و پرندگان را گرد آوردیم که همه به سوی او بازمی‌گشتند؛ و حاکمیتش را استوار کردیم و او را حکمت و داوری قاطع عطا کردیم. آیا خبر شاکیان که از دیوار محراب او بالا رفتند به تو رسیده؟ و در ادامه داستان آن دو ستیزه‌گر را بیان می‌کند که از جانب خداوند برای آزمودن حضرت داوود آمده بودند و داوود فهمید که او را آزموده‌ایم؛ پس از پروردگارش آموزش خواست و خاکسارانه به رو در افتاد و توبه کرد. پس بر او بخشیدیم و بی‌شک او را نزد ما تقرب و سرانجامی نیکوست. ای داوود! ما تو را در زمین جانشین خود کردیم، پس میان مردم به حق داوری کن و زنه‌ار از هوس پیروی مکن که تو را از راه خدا به درکند. البته کسانی که از راه خدا به در می‌روند، به سزای آنکه روز حساب را از یاد برده‌اند، عذابی سخت خواهند داشت.

## ۷. وعده خداوند به داوود نبی در تورات

یکی از وعده‌هایی که در تورات ذکر شده، وعده ای است که خداوند به حضرت داوود داده است که پادشاهی و سلطنت را در نسل ایشان قرار می‌دهد و ساخت خانه خداوند به دست فرزندش سلیمان نبی ﷺ تحقق می‌یابد.

پس از آنکه داوود در کاخ سلطنتی خود ساکن شد، روزی به ناتان نبی گفت: «من در این کاخ زیبا که با چوب سرو ساخته شده، زندگی می‌کنم، درحالی‌که صندوق عهد خداوند در یک خیمه نگهداری می‌شود».

ناتان در جواب داوود گفت: «آنچه را که در نظر داری انجام بده؛ زیرا خدا با توست»، ولی همان شب خدا به ناتان فرمود که برود و به خدمتگزار او داوود چنین بگوید: تو آن کسی نیستی که باید برای من خانه بسازی؛ زیرا من هرگز در ساختمانی ساکن نبوده‌ام. از آن زمان که بنی‌اسرائیل را از مصر بیرون آوردم تا به امروز خانه من یک خیمه بوده است و از جایی به جایی دیگر در حرکت بوده‌ام. در طول این مدت هرگز به هیچ‌کدام از رهبران بنی‌اسرائیل که آنها را برای شبانی قوم خود تعیین کرده بودم، نگفتم که چرا برایم خانه‌ای از چوب سرو نساخته‌اید؟

«و حال خداوند قادر متعال می‌فرماید که وقتی چوپان ساده‌ای بیش نبودی و در چراگاه‌ها از گوسفندان نگهداری می‌کردی، تو را به رهبری قوم اسرائیل برگزیدم. هر جایی که رفته‌ای با تو بوده‌ام و دشمنانت را نابود کرده‌ام. تو را از این هم بزرگ‌تر می‌کنم، تا یکی از معروف‌ترین مردان دنیا شوی؛ برای قوم خود سرزمینی انتخاب کردم تا در آن سروسامان بگیرند. این وطن آنها خواهد بود و قوم‌های بت‌پرست دیگر مثل سابق که قوم من تازه وارد این سرزمین شده بود، بر آنها ظلم نخواهند کرد. تو را از شر تمام دشمنانت حفظ خواهم کرد. این منم که خانه تو را می‌سازم؛ وقتی بمیری و به اجدادت ملحق شوی، من یکی از پسرانت را وارث تاج و تخت تو می‌سازم و حکومت او را تثبیت می‌کنم. او همان کسی است که خانه‌ای برای من می‌سازد. من سلطنت او را تا ابد پایدار می‌کنم. من پدر او و او پسر من خواهد بود و محبت من از او دور نخواهد شد، آن‌طور که شاپول دور شد. تا به ابد او را بر قوم خود و سرزمین اسرائیل خواهم گماشت و فرزندانش همیشه پادشاه خواهند بود».

پس ناتان نزد داوود بازگشت و آنچه را که خداوند فرموده بود به او باز گفت (تواریخ، ۱۷: ۱۵-۱).

## ۸. دعای داوود ﷺ

پس از آنکه خداوند به حضرت داوود توسط ناتان نبی وعده ساخت خانه خدا را به دست فرزندش سلیمان می‌دهد حضرت به پیشگاه خداوند رفته و دعا می‌کند و در واقع به نوعی شکرگزاری کرده و از خداوند می‌خواهد که این پادشاهی در نسل ایشان ادامه یابد. در کتاب اول تواریخ ایام آمده است: آن‌گاه داوود به خیمه عبادت رفت و در آنجا نشست، در حضور خداوند چنین دعا کرد: ای خداوند، من کیستم و خاندان من چیست که مرا به این مقام رسانده‌ای؟ به این هم اکتفا نکردی، بلکه به نسل آینده من نیز وعده‌ها دادی. ای خداوند تو مرا از همه مردم سرفرازتر کردی. دیگر چه بگویم که تو میدانی من نالایق هستم؛ ولی با وجود این سرفرازم کرده‌ای. این خواست تو بود که به خاطر خدمتگزارت داوود این کارهای بزرگ را انجام دهی و وعده‌های عظیم را نصیب خدمتگزارت گردانی. هرگز نشنیده‌ام که خدایی مثل تو وجود داشته باشد؛ تو خدای بی‌ظنیری هستی. در سراسر دنیا کدام قوم است که مثل قوم تو، بنی‌اسرائیل، چنین برکاتی یافته باشد؟ تو بنی‌اسرائیل را رهنمایی تا از آنها برای خود قومی بسازی و نامت را جلال دهی. با معجزات عظیم مصر را نابود کردی. بنی‌اسرائیل را تا به ابد قوم خود ساختی و تو ای خداوند، مثل خدای ایشان شدی. ای خداوند باشد آنچه که درباره من و خاندانم وعده فرموده‌ای به انجام رسد. اسم تو تا ابد ستوده شود و پایدار بماند و مردم بگویند خداوند قادر متعال خدای اسرائیل است. تو خاندان مرا تا به ابد حفظ خواهی کرد. ای خداوند من، تو به من وعده داده‌ای که خاندانم تا به ابد بر قوم تو سلطنت کند؛ به همین سبب است که جرئت کرده‌ام چنین دعایی در حضورت بنمایم. ای خداوند تو واقعاً خدا هستی و تو این چیزهای خوب را به من وعده فرموده‌ای. ای خداوند بگذار این برکت همیشه از آن فرزندان من باشد؛ زیرا وقتی تو برکت می‌دهی، برکت تو ابدی است (تواریخ، ۱۶: ۱۷-۲۷).

## ۹. آمادگی برای ساختن خانه خدا

بعد از اینکه حضرت داوود ﷺ آگاه می‌شود که ساخت خانه خدا به دست حضرت سلیمان ﷺ خواهد بود و خداوند انجام این کار عظیم را از عهده ایشان خارج کرده، مقدمات و زمینه‌ها و مواد موردنیاز ساخت خانه خدا را برای حضرت سلیمان آماده می‌کند تا این کار به‌نحو شایسته انجام شود. این جریان در کتاب اول تواریخ ایام چنین نقل شده است: داوود تمامی ساکنان غیریهودی اسرائیل را برای ساختن

شکست دادم و آنها الان مطیع شما و خداوند هستند. پس با تمام نیروی خود، خداوند، خدای خویش را اطاعت کنید. دست به کار شوید و خانه خداوند را بسازید، تا بتوانید صندوق عهد و سایر اشیا مقدس را به خانه خداوند بیاورید» (تواریخ، ۲۲: ۱۹۲).

#### ۱۰. مقایسه جریان حضرت داود علیه السلام در قرآن و تورات

حضرت داود علیه السلام یکی از انبیای بزرگ بنی اسرائیل است که خداوند به او علم و حکمت و نبوت داده، که در قرآن و تورات ذکر این نبی الهی آمده است. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های زندگی حضرت داود پادشاهی و حکومت وسیع ایشان در روی زمین است که بعد از او، این پادشاهی به پسرش حضرت سلیمان انتقال می‌یابد که این پادشاهی و عظمت در تورات به صورت وعده الهی در نسل ایشان داده شده و قرآن نیز داستان ایشان و پادشاهی‌اش را به صورت تحقق یافته آن بیان می‌کند. از مقایسه آنچه در قرآن و تورات در بحث حضرت داود آمده است، می‌توان شباهت‌ها و تفاوت‌هایی را مشاهده کرد:

#### ۱۰-۱. شباهت‌ها

- خداوند به حضرت داود پادشاهی و عظمت بخشید.
- حضرت داود در جنگ با دشمنانش به پیروزی دست یافت.
- حضرت داود پدر حضرت سلیمان است.
- حضرت داود پادشاهی و پیامبری و حکمت را جمع کرد.
- هم در قرآن و هم در تورات بندگی و تضرع حضرت داود مورد توجه است.
- هم در قرآن و هم در تورات اشاره می‌کند که سلیمان وارث این تاج و تخت ایشان می‌شود و پادشاهی گسترده‌ای را برای او به حضرت داود وعده می‌دهد

#### ۱۰-۲. تفاوت‌ها

- تفاوت‌ها و اختلافاتی نیز در توصیف تورات و قرآن از حضرت داود می‌توان دید؛ از جمله تفاوت‌ها این است که:
- تورات گاهی نسبت‌های ناپسندی به حضرت داود می‌دهد؛ اما در قرآن حکمت و پیامبری حضرت داود مورد تأکید است.
- در تورات نوعی تعارض در وصف شخصیت حضرت داود دیده می‌شود در جایی شخصیت والا و حکمت او را اشاره می‌کند و تقدیس

خانه خدا به کار گرفت. از بین آنها افرادی را برای تراشیدن سنگ تعیین کرد. او مقدار زیادی آهن تهیه کرد تا از آن میخ و گیره برای دروازه‌ها درست کنند. او همچنین به قدری مفرغ تهیه کرد که نمی‌شد آن را وزن کرد. مردان صور و صیون نیز تعداد بی‌شماری الوار سرو برای داود آوردند.

داود گفت: «پسر سلیمان جوان و کم‌تجربه است و خانه خداوند باید پرشکوه و در دنیا معروف و بی‌نظیر باشد. بنابراین من از حالا برای بنای آن تدارک می‌بینم». پس داود پیش از وفاتش، مصالح ساختمانی زیادی را فراهم ساخت و به پسر خود سلیمان سفارش کرد خانه‌ای برای خداوند، خدای اسرائیل بنا کند. داود به سلیمان گفت: ای پسر، من خودم می‌خواستم خانه‌ای برای خداوند، خدای خود بسازم، اما خداوند به من فرمود که چون جنگ‌های بزرگ کرده‌ام و دستم به خون‌های زیادی آلوده شده است، نمی‌توانم خانه او را بسازم. ولی او به من وعده داده، فرمود، پسری به تو می‌دهم که مردی صلح‌جو خواهد بود. در طی سلطنت او به قوم اسرائیل صلح و آرامش خواهیم بخشید. او خانه‌ای برای من بنا خواهد کرد. او پسر من و من پدر او خواهم بود، و پسران و نسل او را تا به ابد بر تخت سلطنت اسرائیل خواهم نشانند. پس حال ای پسر، خداوند همراه تو باشد و تو را کامیاب سازد، تا همان‌طور که فرموده بتوانی خانه خدایت را بسازی. خداوند به تو بصیرت و حکمت عطا کند، تا وقتی پادشاه اسرائیل می‌شوی تمام قوانین و دستورات او را بجا آوری. چون اگر مطیع دستورات و احکام خداوند که توسط موسی به بنی اسرائیل داده است، باشی او تو را موفق می‌گرداند. پس قوی و دلیر باش. و ترس و واهمه را از خود دور کن. من با تلاش زیاد سه هزار و چهار صد تن طلا و سی و چهار هزار تن نقره جمع‌آوری کرده‌ام، و این علاوه بر آهن و مفرغ بی‌حساب، الوار و سنگی است که برای خانه خداوند آماده ساخته‌ام. تو نیز باید به این مقدار اضافه کنی. تو سنگ‌تراش‌ها و بناها و نجارها و صنعتگران ماهر بسیار برای انجام هر نوع کاری در خدمت خود داری. ایشان در زرگری و نقره‌سازی و فلزکاری مهارت بسیار دارند. پس کار را شروع کن. خداوند با تو باشد. سپس داود به تمام بزرگان اسرائیل دستور داد که پسرش را در انجام این کار کمک کنند. داود به آنان گفت: «خداوند، خدای شما، با شماست. او از هر طرف به شما صلح و آرامش بخشیده؛ زیرا من به یاری خداوند، دشمنان این سرزمین را

می‌کند و در جای دیگر نسبت‌های ناروایی به پیامبر خدا می‌دهد.  
- در تورات تکیه اصلی بر پادشاهی و سلطنت و شکوه دنیایی حضرت داوود و حضرت سلیمان است؛ اما در قرآن بیشتر بر پیامبری و حکمت حضرت داوود تأکید می‌شود.

- در تورات وعده‌هایی که خداوند برای برپایی شکوه پادشاهی می‌دهد را اشاره می‌کند و مسائل را به صورت مستقبل بیان می‌کند؛ اما در قرآن محقق شدن این وعده را نشان می‌دهد و به صورت افعال ماضی درباره ایشان سخن می‌گوید.

- در تورات اشاره می‌کند که حضرت داوود از وعده پادشاهی و حکومتی که خداوند به ایشان می‌دهد بسیار خوشحال و خرسند است و دوام این پادشاهی را در نسل او خواستار است و برای محقق شدن این وعده در فرزندش تلاش می‌کند.

#### ۱۱. معرفی حضرت سلیمان علیه السلام

حضرت سلیمان فرزند و وارث حضرت داوود علیه السلام، یکی از پیامبران بزرگی است که هم دارای مقام نبوت بود و هم دارای حکومت بی‌نظیر و بسیار وسیع.

#### ۱۲. حضرت سلیمان علیه السلام در قرآن

نام مبارک حضرت سلیمان علیه السلام هفده بار در قرآن در سوره‌های بقره، نساء، انعام، انبیاء، نمل، سبا و ص آمده است.

- و به داوود سلیمان را بخشیدم که نیک بنده‌ای است و بسیار به سوی خدا توبه می‌کند (ص: ۳۰).

- و داوود و سلیمان را یاد کن، هنگامی که درباره آن کشتزار که گوسفندان مردم شب هنگام در آن چریده بودند، داوری می‌کردند و شاهد داوری آنان بودیم. پس آن داوری را به سلیمان فهماندیم و به هریک از آن دو حکمت و دانش عطا کردیم (انبیاء: ۷۸-۷۹).

- و به راستی به داوود و سلیمان دانشی عطا کردیم و آن دو گفتند: ستایش خدایی را که ما را بر بسیاری از بندگان با ایمانش برتری داده است (نمل: ۱۵).

دیگر اینکه خدای متعال ملکی عظیم به او داد، جن و طیر و باد را برایش مسخر کرد و زبان مرغان را به وی آموخت، که ذکر این چند نعمت در کلام مجیدش مکرر آمده است: در سوره بقره آیه ۱۰۲، در سوره انبیاء، آیه ۸۱، در سوره نمل، آیه ۱۶-۱۸، در سوره

سبا، آیه ۱۲-۱۳ و در سوره ص، آیه ۳۵-۳۹.

و اما قرآن کریم ساحت آن جناب را میرا از پرستش بت می‌داند؛ همچنان که ساحت سایر انبیاء را منزه می‌داند و بر هدایت و عصمتشان تصریح می‌کند و در خصوص سلیمان می‌فرماید: «وَ مَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ»؛ سلیمان کافر نشد (بقره: ۱۰۲).

و نیز ساحتش را از اینکه از زنا متولد شده باشد، منزه داشته است و از او حکایت کرده که در دعایش بعد از سخن مورچه گفت: «پروردگارا، مرا به شکر نعمت‌هایی که بر من و بر پدر و مادر من ارزانی داشتی ملهم فرما».

علامه طباطبائی در *المیزان* درباره آیه ارث بردن سلیمان از داوود می‌فرماید: «وَ وَرَثَ سُلَيْمَانُ دَاوُودَ...؛ یعنی سلیمان مال و ملک را از داوود ارث برد؛ و اینکه بعضی از مفسران گفته‌اند: مراد از این ارث، ارث بردن نبوت و علم است، صحیح نیست؛ برای اینکه نبوت ارثی نیست؛ چون قابل انتقال نیست؛ و اما علم، هر چند با نوعی عنایت و مجاز می‌توان گفت که قابل انتقال است - نه حقیقتاً - برای اینکه استاد، علم را از خود به شاگرد انتقال نمی‌دهد، و گرنه باید دیگر خودش علم نداشته باشد؛ لیکن این انتقال مجازی هم در علم فکری است، که با درس خواندن به دست می‌آید و علمی که انبیاء اختصاص به آن داده شده‌اند، از مقوله درس خواندن نیست؛ بلکه کرامتی است از خدا به ایشان، که دست فکر و ممارست بدان نمی‌رسد، ممکن است با همان عنایت و مجازگویی بگوییم فلان مرد عادی علم را از پیغمبری ارث برده؛ یعنی آن پیغمبر وی را تعلیم داده؛ ولی نمی‌شود گفت: فلان پیغمبر علم خود را از پیغمبر دیگر یا از غیر پیغمبر ارث برده است. آیه ۱۹ خدای تعالی ملکی عظیم به او داد، جن و طیر و باد را برایش مسخر کرد و زبان مرغان را به وی آموخت. یکی از دعاهای حضرت سلیمان در قرآن، توفیق شکرگزاری در برابر نعمت‌های خداوند بوده است (طباطبائی، ۱۳۸۷، ج ۱۵، ص ۴۹۷).

#### ۱۳. حضرت سلیمان در تورات

بارزترین ویژگی سلیمان در تورات حکمت اوست. براساس کتاب مقدس و قرآن، سلیمان معبد خود را در اورشلیم بنا کرد و دارای حکمت، ثروت و قدرت بسیار زیادی بود؛ ولیکن در کتاب مقدس ذکر شده که سلیمان به گناه کشیده شد و از پهوه دور شده و به بت پرستی روی آورد. به همین دلیل پادشاهی او بعد از مرگش

تقسیم شد؛ ولیکن قرآن این داستان را رد کرده و کافر شدن را تنها به مردم تحت سلطه سلیمان و نه شخص وی نسبت می‌دهد. براساس کتاب تورات شهرت حکمت سلیمان آنچنان به همه دنیا رسید که ملکه سبا بلقیس تصمیم گرفت با او ملاقات کند.

سلیمان گفت: سپاس بر خداوند، خدای اسرائیل که آنچه را شخصاً به پدرم داوود وعده داده بود، امروز با دست خود به‌جا آورده است. او به پدرم فرمود: از زمانی که قوم خود را از مصر بیرون آوردم تاکنون در هیچ‌جای سرزمین اسرائیل هرگز شهری را انتخاب نکرده‌ام تا در آنجا خانه‌ای برای حرمت نام من بنا شود؛ و نیز کسی را برنگزیده‌ام تا رهبر قوم من، اسرائیل شود؛ اما اکنون اورشلیم را برای حرمت نام خود انتخاب کردم و داوود را برگزیده‌ام تا بر قوم من حکومت کند. پدرم داوود می‌خواست این خانه را برای خداوند، خدای اسرائیل بسازد؛ ولی خداوند به او فرمود قصد و نیت تو خوب است، اما کسی که باید خانه خدا را بسازد تو نیستی! پسر تو خانه مرا بنا خواهد کرد. حال خداوند به وعده خود وفا کرده است؛ زیرا من به جای پدرم بر تخت سلطنت اسرائیل نشستم و این خانه را برای عبادت خداوند، خدای اسرائیل ساخته‌ام و صندوق عهد را در آنجا گذاشتم؛ آن عهدی که خداوند با قوم اسرائیل بست (تواریخ ۶: ۱۱-۳).

#### ۱۴. دعای سلیمان

در پی وعده‌ای که خداوند به حضرت داوود<sup>ع</sup> درباره پادشاهی حکومت سلیمان<sup>ع</sup> داده بود خود سلیمان در دعایی از خداوند تحقق این وعده را خواستار بود، که در کتاب تواریخ ایام چنین آمده است: «آن‌گاه سلیمان در حضور جماعت اسرائیل روبه‌روی قربانگاه خداوند روی سکوی وسط حیاط بیرونی ایستاد. این سکوی چهارگوش از مفرغ ساخته شده و طول هر ضلع آن پنج ذراع و بلندی‌اش سه ذراع بود. سپس سلیمان زانو زده، دست‌های خود را به طرف آسمان بلند کرد و این‌طور دعا کرد: ای خداوند، خدای بنی‌اسرائیل، در تمام زمین و آسمان خدایی همانند تو وجود ندارد؛ خدایی هستی که عهد پر از رحمت خود را با کسانی که با تمام جان و دل احکام تو را اطاعت می‌کنند نگاه می‌داری؛ تو به وعده‌ای که به بنده خود، پدرم داوود، دادی امروز وفا کرده‌ای. پس ای خداوند، خدای اسرائیل، اینک به این وعده نیز که به پدرم دادی وفا کن، که فرمودی اگر فرزندان تو مثل خودت مطیع دستورات من باشد، همیشه یک نفر از

نسل تو بر اسرائیل پادشاهی خواهد کرد. الان ای خداوند، خدای اسرائیل، از تو خواستارم که آنچه به پدرم وعده دادی انجام بشود. ولی آیا ممکن است که خدا واقعاً روی زمین در میان آدمیان ساکن شود! ای خداوند، حتی آسمان‌ها گنجایش تو را ندارند، چه برسد به این خانه‌ای که من ساختم؛ با وجود این، ای خداوند، خدای من، تو هم دعای مرا بشنو! هم آن را مستجاب فرما. چشمان تو شبانه‌روز بر این خانه باشد، که برای خود انتخاب کرده‌ای؛ هر وقت در این مکان دعا می‌کنم، دعای مرا بشنو و اجابت فرما.

نه تنها من، بلکه هر وقت قوم تو اسرائیل نیز در اینجا دعا کنند، دعای آنها را اجابت فرما و از آسمان که محل سکونت توست، استغاثه ایشان را بشنو و گناهانشان را ببخش (تواریخ ۶: ۱۲-۲۱).

#### ۱۵. خداوند دوباره بر سلیمان ظاهر می‌شود

در پاسخ دعای حضرت سلیمان<sup>ع</sup>، پس از آنکه بنای خانه خداوند، کاخ سلطنتی را تمام کرد و تمام طرح‌هایی را که برای آنها داشت، تکمیل کرد، یک شب خداوند بر او ظاهر شد و فرمود: من دعای تو را مستجاب کرده و این خانه را انتخاب کرده‌ام، تا مردم در آنجا برای من قربانی کنند؛ هرگاه آسمان را ببندم تا باران نیارد، یا آن کنم که ملخ تمام محصولات زمین را بخورد، و بلا نازل کنم؛ اگر قوم من که به اسم من خوانده می‌شوند و فروتن شده دعا کنند و مرا بطلبند و از راه‌های بد خویش بازگشت کنند؛ آن‌گاه ایشان را از آسمان اجابت کرده گناهانشان را می‌بخشم و سلامتی را به سرزمین آنها بازمی‌گردانم. از این پس چشمانم بر این خانه خواهد بود؛ گوش‌هایم دعاهایی را که در آنجا کرده می‌شود، خواهد شنید؛ زیرا این خانه را برگزیده‌ام و آن را تقدیس کرده‌ام، تا نام من تا به ابد بر آن باشد. چشم و دل من همیشه بر این خانه خواهد بود. اگر تو مثل پدرت داوود مرا پیروی کنی و اوامر و احکامم را نگهداری آن‌گاه همان‌طور که به پدرت داوود قول داده‌ام، همیشه یک نفر از نسل او بر اسرائیل سلطنت خواهد کرد؛ ولی اگر شما از دستوراتی که به شما داده‌ام، سرپیچی کنید و از من روی بگردانید و به بت‌پرستی بگرایید؛ آن‌گاه بنی‌اسرائیل را از این سرزمین که به آنان بخشیده‌ام، بیرون می‌رانم؛ و حتی این خانه را که به نام خود تقدیس کرده‌ام، ترک خواهم کرد؛ به طوری که اسرائیل رسوا شده، زبانزد ملت‌های دیگر خواهد شد. این خانه که چنین شهرتی دارد، با خاک یکسان خواهد گردید؛



مقدس، خداوند وعده ساختنش را به حضرت داوود داده بود؛ اما قرآن کریم این حکومت را بنا بر درخواست و دعای حضرت سلیمان می‌داند، که البته می‌توان این‌گونه این مسئله را توجیه کرد که هم در تورات و هم در قرآن دعای حضرت سلیمان ذکر شده و مورد توجه بوده و هر دو کتاب بر این امر اشاره دارند؛ اما مسئله وعده‌ای که خداوند به حضرت داوود داده و در کتاب تورات اشاره شده است، در قرآن نیامده، اما آن را انکار نیز نکرده است؛ زیرا که در راستای تحقق همین حکومت گسترده و عظیم حضرت سلیمان قرار دارد و هیچ منافاتی با یکدیگر ندارد و یکدیگر را نقض نمی‌کنند؛ بلکه از آنجاکه قرآن همیشه نکات مهم و اساسی را ذکر می‌کند، شاید این مسئله اهمیتی چندانی نداشته که آن را ذکر نکرده و در عین حال آن را نقض نیز نکرده است. در قرآن مسائل دیگری نیز مشابه این وجود دارد، که اینچنین بوده است؛ از جمله بیان داستان‌هایی از گذشتگان و پادشاهان و پیامبرانی که در قرآن آمده، اما به نام آنها اشاره نشده است. مثل نامه‌ای که داوود را به عنوان پادشاه معرفی می‌کند که در قرآن فقط با عبارت (وقال لهم نبیهم) آمده است و ایشان را به اسم ذکر نکرده است.

یا در داستان شمارش اصحاب کهف می‌فرماید: «سَيَقُولُونَ ثَلَاثَةٌ رَابِعُهُمْ كَلْبُهُمْ وَ يَقُولُونَ خَمْسَةٌ سَادِسُهُمْ كَلْبُهُمْ رَجْمًا بِالْغَيْبِ وَ يَقُولُونَ سَبْعَةٌ وَ ثَامِنُهُمْ كَلْبُهُمْ قُلْ رَبِّي أَعْلَمُ بِعِدَّتِهِمْ مَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا قَلِيلٌ» (کهف: ۲۲) و تعداد آنها را به صورت دقیق اشاره نمی‌کند و فایده و لزومی در ذکر آن نمی‌بیند. آنچه در این ماجرا مورد توجه است، اینکه علت وعده دادن خداوند به داوود و ساخته شدن آن معبد بزرگ به دست سلیمان، بنابر دعا و درخواست شخص حضرت سلیمان علیه السلام و نیز قدرتی است که سلیمان به جهت شرکت در جنگ‌های پدرش به دست آورده بود، که ثروت بسیاری را برای حکومت او ایجاد کرده بود. این حکومت دینی قدرتمند نیاز به یک معبد بزرگ و مقدس داشت که مجموع اینها باعث شد خداوند وعده ساخت این معبد را به حضرت داوود علیه السلام داد و آن را در زمان حضرت سلیمان محقق کرد.

#### ۱۷-۱. تفاوت‌ها

- در تورات آمده که اگر حضرت سلیمان مطیع دستورات الهی باشد، به ایشان پادشاهی خواهد بخشید و وعده آن را به صورت مشروط به حضرت داوود علیه السلام می‌دهد؛ در حالی که در قرآن می‌فرماید که حضرت سلیمان نیک بنده‌ای است و بسیار به سوی خدا توبه می‌کند و

به‌طوری که هر کس از کنارش بگذرد، حیران شده خواهد پرسید: چرا خداوند با این سرزمین و این خانه چنین کرده است؟! در جواب خواهند گفت چون بنی‌اسرائیل خداوند، خدای اجدادشان را که آنها را از مصر بیرون آورده بود، ترک گفته، بت‌پرست شدند؛ به همین علت خدا این بلا را بر سر آنها آورده است» (تواریخ ۷: ۱۱-۲۲).

#### ۱۶. مطابقت قرآن و تورات

در داستان حضرت سلیمان نیز مانند حضرت داوود در قرآن و تورات مشابهت‌ها و تفاوت‌هایی وجود دارد؛ از جمله مشابهت‌هایی که می‌توان اشاره کرد، موارد زیر است:

۱. قرآن و تورات اتفاق نظر دارند بر اینکه به حضرت سلیمان از همان کودکی حکمت و پادشاهی داده شده است، و در این ملک عظیمی که خداوند به ایشان بخشید، جن و طیر و باد را مسخر او کرد و این عظمت و حکومت را خداوند به او تفویض کرده است.
۲. هم در تورات و هم در قرآن اشاره می‌کند که حضرت سلیمان از خداوند حکومت و پادشاهی وسیع و باعظمتی را درخواست می‌کند و برای دست یافتن به آن دعا می‌کند.
۳. هم در قرآن و هم در تورات می‌گوید که این عظمت و تاج و تخت به صورت ارث از حضرت داوود به سلیمان می‌رسد.
۴. حضرت سلیمان از همان کودکی حکمت و دانش داشته و مورد توجه بوده است.
۵. هم در قرآن و هم در تورات به برتری ایمان حضرت داوود و سلیمان اشاره می‌کند، که تورات این برتری را علت این وعده پادشاهی و عظمت می‌داند.
۶. در تورات، خداوند به حضرت داوود ساخت معبد توسط حضرت سلیمان را وعده می‌دهد و در قرآن، ساخته شدن این معبد را اشاره می‌کند که توسط حضرت سلیمان انجام شده است و به این وعده جامه عمل می‌پوشاند.

#### ۱۷. وعده خداوند به سلیمان و داوود در قرآن

پرسش: آیا در قرآن نامی از وعده خداوند به حضرت داوود مبنی بر ساخت خانه و تشکیل حکومتی وسیع و عظیم به دست حضرت سلیمان آمده است؟

پاسخ: حکومتی که به حضرت سلیمان داده شد، بنا بر متن

شخصیت الهی ایشان را تأکید و تأیید می‌فرماید.

- درباره وعده، در تورات می‌گوید: اگر نسل حضرت سلیمان مانند حضرت داوود ایشان را اطاعت و بندگی کرده، احکام و اوامر الهی را رعایت کند، همیشه یک نفر از نسل ایشان بر اسرائیل سلطنت خواهد کرد؛ اما در قرآن فقط به حکومت حضرت سلیمان اشاره می‌کند و درباره نسل ایشان هیچ‌گونه سخنی به میان نمی‌آورد. - در تورات درباره حضرت سلیمان آمده که ایشان بت‌پرست شده و از راه بندگی خارج شد و فرامین الهی را سرپیچی کرد؛ در حالی که قرآن می‌فرماید حضرت سلیمان بنده‌ای مطیع و توبه‌کننده به سوی خداوند بود؛ و ساحت ایشان را از پرستش بت مبرا می‌داند همچنان که ساحت سایر انبیا را منزّه می‌داند و بر هدایت و عصمت‌شان تصریح می‌کند.

- در تورات نسبت ناروایی به حضرت داوود می‌دهد و حضرت سلیمان را زنازاده می‌داند که با مقام نبوت پیامبر الهی ناسازگار است؛ در حالی که در قرآن ساختش را از اینکه از زنا متولد شده باشد، منزّه داشته و از او حکایت کرده است که در دعایش بعد از سخن مورچه گفت پروردگارا مرا بر شکر نعمت‌ها که بر من و پدر و مادرم ارزانی داشتی، یاری کن.

- در خود تورات خداوند وعده پادشاهی و حکمت و دانش را به شرط بندگی و اطاعت از اوامر الهی می‌دهد، که اگر حضرت سلیمان مثل پدرش داوود مطیع و فرمانبردار اوامر الهی باشد، قدرت و شوکت به او می‌بخشد و خانه خدا را به دست ایشان بنا می‌کند. طبق فرمایش قرآن وعده ساخت خانه خدا به دست ایشان محقق گشت، و سلیمان صاحب شوکت و قدرت و پادشاهی عظیمی شد. این نشان می‌دهد که شرط این وعده فراهم بوده و حضرت سلیمان بدان عمل کرده بود، که این عظمت و قدرت برای ایشان محقق شده است. در جای دیگر که می‌گوید حضرت سلیمان بت‌پرست شد و از اوامر الهی سرپیچی کرد؛ این خود نشان می‌دهد که می‌توان از طریق خود تورات به بندگی و پاکی حضرت سلیمان پی برد و ساحت این پیامبر الهی هرگز به کفر و بت‌پرستی آلوده نگشته است.

## ۱۸. تحقق وعده‌ها

حال باید ببینیم خداوند به وعده‌هایی را که در قسمت‌های گوناگون تورات به حضرت سلیمان و داوود داده است عمل کرده یا خیر؟

با اندکی توجه می‌بینیم که اولین وعده‌ای که در کتاب اول تواریخ به حضرت داوود می‌دهد؛ یعنی تشکیل حکومت وسیع و قدرتمند و ساخت معبد و پرستش‌گاه بزرگ اورشلیم به دست حضرت سلیمان، طبق شهادت تاریخ، خود تورات و فرمایش قرآن محقق گشته است. حضرت سلیمان نیز همان‌طور که در متن بدان اشاره شد، در محضر خداوند دعا می‌کند و از خداوند می‌خواهد که به این وعده خود وفا کند و خداوند در پاسخ و اجابت این دعای حضرت سلیمان به او می‌گوید: من دعای تو را مستجاب کرده و این خانه را انتخاب و تقدیس کرده‌ام... یعنی خداوند خود اشاره می‌کند که به وعده‌ای که به داوود نبی داده بود، وفا کرده و در ادامه صحبت خود با سلیمان وعده و وعید دیگری به او می‌دهد که اگر تو نیز مثل پدرت مطیع و فرمانبردار باشی، همیشه یک نفر از نسل تو بر اسرائیل سلطنت خواهد کرد و اگر به بت‌پرستی بگرایی، بنی اسرائیل را از این سرزمین بیرون خواهیم راند و این خانه را با خاک یکسان خواهیم کرد که به نظر می‌رسد این وعده و وعید که خطاب به سلیمان گفته شده است درباره قوم بنی اسرائیل است، نه شخص حضرت سلیمان؛ زیرا طبق فرمایش قرآن حضرت سلیمان هیچ‌گاه به بت‌پرستی روی نیاورد و همواره بنده صالحی بوده است. در قسمت‌های دیگری از تورات می‌بینیم که اشاره می‌کند چون بنی اسرائیل دوباره بت‌پرست شدند، خداوند این معبد را توسط بخت‌النصر نابود کرد.

یهودیان حدود دویست سال بعد از حضرت سلیمان رسماً بت‌پرست شده بودند و حتی بت‌هایی را در معبد سلیمان نهاده، می‌پرستیدند. مدتی بعد، حضرت ارمیا از طرف خداوند مبعوث شد تا این قوم را از خواب غفلت بیدار کند. خداوند می‌گوید هر آینه مثل زنی که به شوهر خود خیانت ورزد، همچنین شما ای خاندان اسرائیل به من خیانت ورزیدید. آواز گریه و تضرعات بنی اسرائیل از بلندی‌ها [بتکده‌ها] شنیده می‌شود؛ زیرا که راه‌های خود را منحرف ساخته و یهوه خدای خود را فراموش کرده‌اند. ای فرزندان مرتد، بازگشت کنید و من ارتداد شما را شفا خواهم داد (ارمیا، ۳: ۲۰-۲۲).

معبد سلیمان نهایتاً در سال ۵۸۶ قبل از میلاد توسط سپاه بخت‌النصر به همراه شهر اورشلیم ویران شد. این معبد فقط ۴۲۴ سال دوام داشت و بنی اسرائیل در این مدت، باطن دین را رها کرده، به ظاهر آن بسنده می‌کردند و به معبد سلیمان مفاخرت می‌کردند. در

## منابع.....

- امینی، سمیه، ۱۳۹۵، *تحلیل فرایند و سازوکار تحقق وعده‌های الهی در قرآن*، پایان‌نامه کاشناسی ارشد، قم، دانشگاه قرآن و حدیث.
- بسی‌خواستنه، حسین، ۱۳۹۴، *بررسی وعده‌های الهی به پیامبر اکرم ﷺ در قرآن کریم*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، اهواز، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- خرمشاهی، بهاء‌الدین، ۱۳۷۷، *دانش‌نامه قرآن و قرآن‌پژوهی*، چ سوم، تهران، دوستان.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، *مفردات الفاظ القرآن*، بیروت، دار الشامیه.
- شبستری، عبدالحسین، ۱۳۷۹، *اعلام القرآن*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۸۷، *تفسیر المیزان*، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، چ یازدهم، قم، انتشارات اسلامی.
- طیب، سیدعبدالحسین، ۱۳۷۸، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، چ دوم، تهران، اسلام، عسگری، ابی‌هلال و سیدنورالدین جزائری، ۱۳۹۰، *معجم فروع اللغویه*، چ پنجم، قم، مؤسسه نشر اسلامی.
- غفوریان، سکینه، ۱۳۹۱، *وعده‌های الهی در قرآن و سنت*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، حوزه علمیه خراسان.
- قرشی، سیدعلی‌اکبر، ۱۳۷۱، *قاموس قرآن*، چ ششم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- مصطفوی، حسن، ۱۳۶۸، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مؤذنی، محمد، *وعده‌های خدا*، در: پایگاه اطلاع‌رسانی پژوهشکده باقرالعلوم، pajoohe.ir

سال ۵۸۶ قبل از میلاد، بخت‌النصر پادشاه بابل از پی هوای نفس خود، با سپاهیان بسیار بر اورشلیم تاخت و شهر را نابود کرده، معبد سلیمان را به آتش کشید. سپاه بابل اکثر یهودیان را کشت و تنها چهل هزار نفر را زنده نگاه داشت که آنها را به اسیری گرفته، به جهت غلامی و کنیزی با خود به بابل بردند. وقتی خداوند معبد با عظمت سلیمان را به دشمنان این قوم واگذار کرد، به وعید و انذار خود که قبلاً به حضرت سلیمان داده بود عمل کرده و دیگر عبادت یهودیان را نمی‌خواهد.

## نتیجه‌گیری

۱. در کتاب مقدس وعده‌ای از جانب خداوند به پیامبران و وعیدهایی برای پیروان ایشان داده شده است.
۲. وعده‌ای که خداوند در کتاب اول تواریخ ایام به حضرت داوود و سلیمان می‌دهد، حکومت و پادشاهی با عظمتی است که در کتاب دوم تواریخ ایام تحقق این وعده الهی را بیان می‌کند.
۳. در قرآن کریم اشاره‌ای به وعده به این دو پیامبر الهی ندارد، اما تحقق آن را خبر می‌دهد.
۴. قرآن و تورات در محتوا گاهی باهم مطابقت دارند و گاهی در برخی موارد از یکدیگر متفاوتند؛ به‌طور کلی نمی‌توان همه آنچه در تورات آمده را تأیید یا رد کرد؛ بلکه از مقایسه مسائل مطرح شده در آن با قرآن کریم می‌توان آن را اعتبارسنجی کرد.
۵. قرآن کریم از انبیا با احترام و شأن و منزلت یاد می‌کند؛ اما تورات از نسبت دادن برخی مطالب ناروا به ایشان هیچ ابایی ندارد.